خراسان شمالی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی

در راهروی دادگاه خانواده

دختر باکلاسی که برای من همسر نشد

صدیقی- ذهنم را تسخیر کرده بود و فکر می کردم اگر با او زیر یک سقف زندگی کنم خوشبخت خواهم شد. البته او را چند بار بیشتر ندیده بودم. به خاطر کارم خیلی با مادر دختر مورد علاقه ام برخورد داشتم و در ظاهر او یک زن شیک پوش بود و مدام پیش من از دخترش تعریف می کرد که چه هنرهایی دارد. مرد جوان تعریف می کند: آن قدر خام حرف های همکارم شدم که فکر می کردم او و دخترش واقعا در خانه چنین اخلاق هایی دارند و بدون تحقیقات فقط به حرف های او بسنده کردم. پایم را در یک کفش کردم و از مادرم خواستم هر طوری که شده باید به خواستگاری دختر مورد علاقه ام برویم.

مادرم از عجله من غافلگیر شده بود و بعد از این که با اصرار و تهدید من پا پیش گذاشت به من گفت آن چیزی که دیده ام ظاهر قضیه است اما اصلاً گوشم به این حرف ها بدهکار نبود. بالاخره پای سفره عقد با دختر مورد علاقه ام نشستم، دست از پا نمی شناختم و از این که با یک خانواده باکلاس وصلت کرده بودم خوشحال بودم، اما همه این ها سرابی بیش نبود.

هنوز چند روزی از نامزدی مان نگذشته بود که همسرم رفتارهای بچگانه اش را بروز داد. از نوع حرف زدن و لباس پوشیدنش خوشم نمی آمد و از همه بدتر بر خلاف ظاهر مرتبش در بیرون در داخل خانه به نظافت اهمیت نمی داد. نامزدم با مادرش خواستار گشت و گذار و خرید در مراکز تفریحی بودند و اصلاً به من و پدر همسرم توجهی نمی کردند، اگر هم حرفی می زدیم یا اعتراضی می کردیم ما را عقب مانده فرض می کردند و با کنایه می گفتند بهتر است در خانه بمانیم و به کارهای آشپزخانه برسیم.

تازه آن موقع بود که متوجه شدم پدر نامزدم چون از آبروریزی واهمه داشت از دست همسرش چه کشیده و دم نزده است. بدجوری در مخمصه ای که خودم مسبب آن بودم گیر افتاده بودم. مدتی این رفتارها مثل خوره از درون من را می خورد و پیش دوست و آشنا از نحوه رفتارهای بچگانه همسرم خجالت می کشیدم. نامزدم مثل دختر بچه ها کفش و لباس می پوشید و حجابش را رعایت نمی کرد.

دیگر صبرم به سر آمد و روزی به مادر همسرم اعتراض کردم اما او با شنیدن حرف هایم از کوره در رفت و سر و صدا به پا کرد و به من گفت مگر اسیر و کلفت گرفته ام که مانع خروجش از خانه می شوم و او هر کاری که دلش می خواهد انجام می دهد. دیگر سکوت را جایز ندانستم و بدون اطلاع خانواده ام به دادگاه آمده ام تا با کمک مشاوران راه درستی را انتخاب کنم.

قیچی به دست برای برش گذشته سیاه

صدیقی

من که یک روز بدون لباس اتو کشیده و ادکلن نزده از خانه بیرون نمی رفتم کارم به جایی رسیده بود که با کفش های لنگه به لنگه، شلوار کثیف و موهای ژولیده در خیابان ها قدم می زدم. آرایشگر ماهر سابق درباره ماجراهای زندگی دودی اش می گوید: از شاگردی در آرایشگاه به مرحله استادی رسیدم و در کنار آن دستی هم در هنر نوازندگی داشتم.

در دوران مجردی آخر هفته ها با دوستانم بیرون می رفتم و تفننی مواد مصرف می کردم. خودم را آدم زرنگی می دانستم زیرا فکر می کردم هیچ وقت در دام اعتیاد نمی افتم غافل از این که مواد داشت من را بازی می داد تا این که کمرم را به خاک مالید و بر من مسلط شد. بعد از ازدواج آرایشگاه زدم و برای خودم برو و بیایی داشتم. حتی یک لحظه بدون لباس اتو کشیده و ادکلن نزده از خانه بیرون نمی‌رفتم.

درآمد خوبی داشتم و روزهایی که مراسم و جشن داشتیم مغازه را به شاگردم می سپردم و در مجالس نوازندگی می کردم. قبل از شرکت در مجلس با برخی از همکارانم پای بساط مواد می نشستیم تا به نوعی دوپینگ کنیم و برای صاحب مجلس سنگ تمام بگذاریم.

یک دود و چند دود گرفتن های مان تا جایی پیش رفت که غرق در دود و مواد شدیم برای همین داخل تریاک کمی مواد صنعتی می ریختیم تا اثرش بیشتر شود و بتوانیم تا پاسی از شب سازمان را کوک نگه داریم. کم کم با زیاد شدن اعتیادم خماری بر من چیره شد به طوری که به زور به مغازه می رفتم. نشئه بودم اخلاقم یک جور بود و در خماری طور دیگری با همسرم تا می کردم و مدام با او درگیر بودم.

سه فرزند داشتم و زمانی که شیشه مصرف می کردم همسرم را آزار می دادم. برخی شب ها بعد از توهم زدن از خانه بیرون می رفتم و فکر می کردم ماموران دنبال من هستند برای همین داخل پارک می خوابیدم. زمانی که نتوانستم از عهده کرایه مغازه بربیایم پدرم از شدت عصبانیت مغازه ام را جمع کرد.

بیکار شده بودم برای همین سر چهارراه می ایستادم تا بار کامیون ها را خالی و هزینه موادم را جور کنم. دستمزدم تنها کفاف موادم را می داد و همسرم چون خیاط بود خرج زندگی و بچه های مان را می داد.

به خاطر توهم زدن های پی در پی، همسرم از طریق خواندن مطالب صفحه حوادث روزنامه، متوجه آثار زیانبار و خطرناک شیشه شده بود برای همین از من وحشت داشت. او من را از دیدن و در آغوش گرفتن بچه هایم منع کرده و حتی از من پیش بچه ها یک غول ساخته

> حسرت به دل مانده بودم که یک بار فرزندانم را در آغوش بگیرم و آن ها را نوازش کنم اما از من وحشت داشتند و دوری می کردند

> زمانی که سوار تاکسی می شدم مسافران از شدت بوی بدم دماغ شان را می گرفتند

بود طوری که آن ها با دیدن من از ترس پا به فرار می گذاشتند. حتی زمانی که خوراکی برای بچه هایم می گرفتم آن ها از دست من چیزی نمی خوردند. همسرم بعد از این ماجراها من را داخل خانه راه نداد و از من خواست در انباری وسط حیاط بخوابم. از آن به بعد در خانه ام کارتن خواب شدم و تا صبح از شدت سرما می لرزیدم.

چندین بار ماموران مرا به زور به کمپ بردند اما دست بردار نبودم و دوباره به سراغ مواد می رفتم. هزینه موادم را گاهی از پدرم می گرفتم و بعضی مواقع خمار سرم را روی زمین می گذاشتم و می خوابیدم.

پدرم وضع مالی خوبی داشت، زمانی که از کمپ پاک بیرون آمدم من را به عنوان کمکی با راننده تریلی به جاده فرستاد تا شاید بعد از مدتی دوری از محل آلوده زندگی مان فکر مواد از ذهنم بیرون برود. اما من در شهرهای مرزی هم دست بردار نبودم و دور از چشم راننده به سراغ ساقی می رفتم و مواد مصرف می کردم ولی ماجرای موش و گربه بازی ام زیاد دوام نیاورد و دستم رو شد و از کار بیکار شدم. دوباره کارتن خوابی را داخل انباری حیاط خانه ام شروع کردم و با موش و سوسک ها همدم شدم. یک روز که بیکار بودم دور از چشم همسرم دنبال پسرم به مدرسه رفتم تا او را به خانه بیاورم.

وقتی وارد حیاط مدرسه شدم پسرم متوجه شد برای همین خودش را زیر میز پنهان کرد تا او را نبینم چون پیش دوستان و معلم اش خجالت می کشید و دوست نداشت آن ها من را با آن سر و وضع آشفته ببینند.

وقتی که دیدم از کلاس خارج نمی شود بیرون از مدرسه و در خیابان منتظرش شدم و زمانی که او را صدا زدم با دوستش از کنارم رد شد و با بی محلی رو به دوستش گفت مرا نمی شناسد و من یک آدم مزاحم هستم. وقتی به خانه با دل شکسته برگشتم دیدم پسرم با مادرش دعوا و گریه می کند و می گوید چرا او من را دنبالش به مدرسه فرستاده است؟

در حسرت مانده بودم یک بار فرزندانم را در آغوش بگیرم و آن ها را نوازش کنم اما از من وحشت داشتند و دوری می کردند.

آه در بساط و از خماری توان راه رفتن نداشتم برای همین از پدرم تقاضای پول برای تهیه مواد می کردم ولی او من را از خودش می راند.

من که یک روز بدون لباس اتو کشیده و ادکلن نزده بیرون نمی رفتم کارم به جایی رسیده بود که با کفش های لنگه به لنگه، شلوار کثیف و موهای ژولیده در خیابان ها قدم می زدم. دوستانم با دیدن سر و وضع ام در خیابان تعجب می کردند.

حتی زمانی که سوار تاکسی می شدم مسافران از بوی بدم دماغ شان را می گرفتند و گاهی زود پیاده می شدند تا بیشتر از آن اذیت نشوند.

نه اعتباری برایم باقی مانده بود و نه زن و فرزندی و نه نایی که کار کنم تا لااقل پول موادم را در بیاورم.

یک روز جلوی در خانه پدرم رفتم و از او خواهش کردم من را به کمپ بیاورد. الان نزدیک به سه ماه است که در کمپ به سر می برم تا پاک خارج شوم، شاید بتوانم با قیچی آرایشگری گذشته ام را اصلاح کنم.

رئیس دانشگاه کوثر :

برخورد قاطع با مسببان مسمومیت دانشجویان صورت می گیرد

رئیس دانشگاه کوثر بجنورد در پی اعلام نتیجه آزمایش های مسمومیت دانشجویان دختر این دانشگاه اعلام کرد: با مقصران و مسببان علت آلودگی میکروبی غذای دانشجویان برخورد قاطع قانونی خواهد شد.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه کوثر دکتر «علیرضا حسینی» گفت: برابر اعلام دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، آلودگی میکروبی غذا علت مسمومیت دانشجویان این دانشگاه بوده است. وی ادامه داد: بنا بر این گزارش رئیس مرکز بهداشت شهرستان بجنورد اعلام کرده است نتایج نمونه های گرفته شده از بیماران میکروب آی کولای علت آلودگی غذای مصرفی دانشجویان بوده است.

«حسینی» تصریح کرد: سلامت جسم، روح، آرامش و آسایش دانشجویان برای ما مهم است و آن ها تحت هر شرایطی دست ما امانت هستند و با جان و دل از حریم فرزندان مردم محافظت خواهیم کرد. وی اظهار کرد: تمام قوای مان را به کار می گیریم تا با قاطعیت با مقصران برخورد قانونی صورت گیرد و از آن جایی که شعار و عمل ما شفاف سازی است، به زودی از طریق رسانه ها اطلاع رسانی لازم در مورد اقدامات صورت گرفته انجام خواهد شد.گزارش خبرنگار ما حاکی است از چهارشنبه شب تا جمعه شب گذشته ۱۵۹ مرتبه دانشجویان دانشگاه دخترانه کوثر با داشتن علایمی همچون دل پیچه و حالت تهوع به بیمارستان امام حسن (ع) بجنورد و مراکز درمانی مراجعه کردند.

اخبار

جریمه به خاطر گران فروشی رب گوجه فرنگی

صدیقی- بازرسان استان طی بازرسی از یک سوپرمارکت در بجنورد موفق به کشف گران فروشی تعداد ۳۰۰ عدد قوطی رب گوجه فرنگی شدند که متخلف به پرداخت جریمه محکوم شد. مدیرکل تعزیرات حکومتی خراسان شمالی با بیان این مطلب افزود: ارزش ریالی این کالاها ۱۰ میلیون ریال است. «سیدالموسوی» اضافه کرد: پس از ارجاع پرونده تخلف از سوی مراجع نظارتی به این اداره کل، در شعب ویژه مورد بررسی دقیق قرار گرفت و پس از احراز تخلف صورت گرفته متخلف به پرداخت جزای نقدی ۲۰ میلیون ریالی در حق دولت محکوم شد.

جمع آوری ۱۰ قلم داروی گیاهی تقلبی

در ۶ ماه نخست امسال، ۱۰ قلم داروی گیاهی تقلبی از ۵ عطاری متخلف جمع آوری و پرونده آن ها برای رسیدگی به مراجع قضایی ارجاع داده شد.مدیر نظارت و ارزیابی فراورده های طبیعی، سنتی و مکمل معاونت غذا و داروی دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی با بیان این مطلب افزود: در ۶ ماه گذشته ۳۰ مورد بازدید توسط تیم بازرسی معاونت غذا و دارو به همراه ماموران نیروی انتظامی از عطاری های استان صورت گرفت. «مجبوری» با اشاره به این که تمام عطاری ها موظف اند اقلام گیاهی مورد نیازشان را از مراکز معتبر و شناخته شده تهیه و هنگام خرید به شماره های بهداشتی، ثبت، تولید و مشخصات کالا دقت کنند، تاکید کرد: شهروندان هم باید با حساسیت و دقت خاصی این گونه اقلام را آن هم با تجویز پزشک مصرف کنند.

آگهی نوبتی سه ماهه دوم سال ۱۳۹۷- اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اسفراین (نوبت اول)

بدستور ماده ۱۲ قانون ثبت و ماده ۵۹ آئین نامه قانون مذکور اسامی اشخاصی که نسبت به املاک مجهول المالک واقع در بخشهای تابعه حوزه ثبتی اسفراین تا آخر شهریور ماه سال یکهزار و سیصد و نود و هفت (۱۳۹۷) تقاضای ثبت نموده اند و همچنین مواردی که آگهی نوبتی آن برابر تبصره یک ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت باید تجدید گردد با نوع ملک مورد تقاضا برای اطلاع عموم به شرح زیر آگهی می شود:

«**بخش پنج بجنورد**» **قریه ایرج پلاک یازده (۱۱) اصلی** ۳۷۹ فرعی مفروز از ۲۹۷ فرعی آقای سیدحمزه سیدی ایرج فرزند سیدابراهیم ششدانگ یک باب منزل

مزرعه پشت جوی پلاک شصت (۶۰) اصلی ۴۰ فرعی آقای جواد علیزاده خداکام فرزند علی اصغر ششدانگ یک قطعه زمین

قریه خرینان پلاک شصت و چهار (۶۴) اصلی ۵۱۷۸ فرعی مفروز از ۳۳۸ فرعی آقای مرتضی خدادادی فرزند محمد ششدانگ یک باب منزل

۵۲۴۶ فرعی مفروز از ۱۱۹۱ فرعی آقای علی دهقانی ایرج فرزند عیسی ششدانگ یک باب منزل

۵۲۴۷ فرعی مفروز از ۲۵۰ فرعی آقای مجید لعل عشقی فرزند علی اکبر و آقای ابراهیم صنعتی فر فرزند علیجان مشاعاً بالسویه ششدانگ یک قطعه زمین محصور متصل به منزل مستدعیان **قریه حسن آباد قصبه پلاک شصت و پنج (۶۵) اصلی**

۱۳۰۴ فرعی مفروز از ۱۰ فرعی آقای علی اصغر جهانی فرزند محمدحسن ششدانگ یک باب منزل

قریه درپرچین پلاک یکصد و شصت (۱۶۰) اصلی یک (۱) فرعی اداره اوقاف و امور خیریه اسفراین ششدانگ بقعه متبرکه معصوم زاده (ضامن مسکین) لذا به دستور مواد ۱۶ و ۱۷ قانون ثبت هر کس نسبت به املاک آگهی شده در بالا معترض می باشد و یا این که بین متقاضیان ثبت و دیگری اقامه دعوا شده و در جریان است و می بایستی اعتراض یا گواهی مشعر بر جریان دعوی خود را از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی ظرف نود روز به اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین تسلیم و رسید دریافت نموده و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترض ثبتی، معترضین از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. ضمناً حقوق ارتفاقی در موقع تحدید حدود و در صورت مجلس منظور می گردد و از تاریخ تنظیم صورتمجلس تحدیدی تا سی روز قابل اعتراض خواهد شد. **تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۷/۰۹/۰۱**

اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

۱۴۳/ م الف

۹۷۱۱۷۰۹۶/و

آگهی تحدید حدود اختصاصی ثبت املاک یک قسمت از بخش پنج بجنورد حوزه ثبتی شهرستان اسفراین

پیرو آگهی قبلی به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک تحدید حدود شماره زیر:

قریه کشتان پلاک شصت و نه (۶۹) اصلی

۳۶۰۷ فرعی مفروز از ۷۳ فرعی آقای ابراهیم کریم آبادی فرزند محمد ششدانگ یک باب منزل در روز چهارشنبه ۱۳۹۷/۰۸/۲۳ ساعت ۹ الی ۱۲:۳۰ قبل از ظهر در محل به عمل خواهد آمد.(در اجرای قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی)لذا به موجب ماده چهارده قانون ثبت اسناد و املاک به صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی و مجاورین شماره فوق الذکر به وسیله این آگهی اخطار می گردد که در روز و ساعت بالا در محل حضور به هم رسانند. چنانچه هر یک از صاحبان املاک یا نماینده قانونی آنها در موقع مقرر حاضر نباشد مطابق ماده ۱۵ قانون مزبور ملک مورد آگهی با حدود اظهار شده از طرف مجاورین، تحدید خواهد شد و اعتراضات مجاورین نسبت به حدود ارتفاقی و نیز صاحبان املاک و حقوق ارتفاقی که در موقع مقرر حاضر نبوده اند مطابق ماده ۲۰ قانون ثبت فقط تا سی روز از تاریخ تحدید حدود پذیرفته خواهد شد و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضی ثبتی، معترضین می بایست از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت اسناد ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی لازم را از مرجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. **تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۰۸/۰۱**

اکبر اقبالی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اسفراین

۹۷۱۱۸۹۹۵/و